سمینارها و همایش‌ها

۱. مشارکت میراث مکتوب در سمینار بین‌المللی طنز در ادبیات فارسی دهلی

سمینار بین‌المللی طنز از ۱۴ تا ۱۶ فوریه ۲۰۰۶ (۲۷ - ۲۵ بهمن ۴۸) در بخش زبان فارسی دانشگاه دهلی در کشور هندوستان برگزار گردید. این سمینار علاوه بر دو جلسه رسمی افتتاحیه و اختتامیه که در آن مسئولان فرهنگی و دانشگاهی هند و رایزنی فرهنگی ایران و چند نفر از استادان هندی و ایرانی سخنرانی کردند و بر تحکیم روابط فرهنگی ایران و هند تأکید نمودند. شش جلسه پربار علمی که در آن طنز در ادبیات فارسی از دیدگاه‌های مختلف مورد توجه قرار گرفت و در واقع این اولین باری بود که در هندوستان، یک موضوع و معنای ادبی موضوع یک سمینار قرار می‌گرفت و می‌توان گفت که خوشبختانه این سمینار آغاز راهی نو و نقطه عطفی بود در سمینارها و تحقیقات متمرکز ادبی که اگر در آینده ادامه یابد، در حوزه تحقیقات ادبی فارسی هند، بسیار مفید خواهد بود و به پریشیدگی و پریشانی موضوعات سمینارها پایان خواهد داد.

اگر چه به گفته مسؤولان برگزاری سمینار، قرار بود از ایران ۱۲ نفر در این سمینار شرکت جویند، تنها سه نفر از طرف مرکز پژوهشی میراث مکتوب اعزام شده بودند. یعنی جناب آقای دکتر محمدباقر یاحقی از دانشگاه فردوسی، جناب آقای دکتر ابوالقاسم رادفر استاد محترم پژوهشگاه علوم انسانی تهران و دکتر منصور رستگار فسایی از دانشگاه شیراز شرکت کرده بودند که ضمن ارائه مقالات و شرکت در همهٔ جلسات سمینار، ادارهٔ بعضی از نشست‌ها را نیز بر عهده داشتند.

این سمینار یکی از بهترین سمینارهایی بود که در هندوستان برگزار شد و به لحاظ موضوع سمینار، نظم و اداره آن و برنامه‌های جنبی که برای سمینار پیش‌بینی شده بود، بسیار موفق بود و پیشنهاد شد که بررسی موضوع طنز در ادبیات فارسی، در سمینار بعدی نیز ادامه یابد تا یک مجموعه تحقیقات ارزشمند درباره طنز فراهم آید.

ناگفته نماند که خوشبختانه تحرک ادبی و تحقیقات فارسی در هندوستان به نحوی امیدوار کننده رو به توسعه

دارد و بهترین نمونهٔ آن، برگزاری ۴ سمینار است که در فاصله اسفند ۸۴ تا ۱۵ فروردین ۸۵ در هندوستان به شرح زیر برگزار می‌شود:

۱. سمینار بین‌المللی امیر خسرو در دهلی در اسفند ماه ۸۴.

۲. سمینار بین‌المللی هندشناسی و زبان و ادبیات فارسی ۱۲ تا ۱۴ فروردین در علیگرد.

۳. بیست و ششمین سمینار بین‌المللی استادان فارسی هند در ۲۵ تا ۲۷ مارچ ۲۰۰۶ در دهلی.

۴. کنفرانس بین‌المللی یکصدمین سال تأسیس بخش فارسی دانشگاه کلکته.

۲. مشارکت میراث مکتوب در سومین همایش دوسالانه پژوهشهای زبان و ادبیات فارسی

گروه خبر کتاب هفته: سومین «همایش دوسالانه پژوهشهای زبان و ادبیات فارسی»، هفدهم و هجدهم اسفندماه در سالن شهید مطهری دانشگاه تربیت مدرس برگزار شد.

مرکز پژوهشی میراث مکتوب در بخشی از این همایش با سه سخنران در کمیسیونی تحت عنوان «نسخه پژوهشی و تصحیح متون» شرکت فعال داشت.

آقای احمدرضا رحیمی ریسه مدیر بخش فاکسیمیله میراث مکتوب دربارهٔ فهرست‌نویسی و روشها و مشکلات آن سخن گفت. جویا جهانبخش از مشاوران علمی این مرکز دربارهٔ روشهای تصحیح متون سخنرانی کرد و خانم فریبا افکاری دربارهٔ نسخه‌شناسی با ارائه تصاویری از نسخ خطی مقاله خود را ارائه نمود.

این همایش با محور «آسیب‌شناسی پژوهشهای ادبی در حوزه رساله‌ها و پایان‌نامه‌ها، کتابهای آموزشی دانشگاهی، نشریات و طرحهای پژوهشی» با حضور استادان و پژوهشگران به مدت دو روز برپا شد.

* یادآوری می‌شود هر سه مقاله به طور کامل در فصلنامهٔ *آینهٔ میراث* منتشر خواهد شد.

۳. همایش حماسه فتح قشم و هرموز برگزار شد

همایش «حماسه فتح قشم و هرموز» و رونمایی از کتاب جنگنامه کشم و جرون‌نامه، در تاریخ ۱۰ و ۱۱ اسفندماه در استان هرمزگان با حضور جمعی از محققان خلیج فارس و اساتید دانشگاه تهران و شیراز و مصححان این کتاب برگزار شد.

در این نشست که توسط مرکز پژوهشی میراث مکتوب و با همکاری استانداری استان هرمزگان و معاونت امور فرهنگی وزارت ارشاد برگزار می‌شد، ۲۵ مقاله از سوی محققان و پژوهشگران خوانده شد. هم چنین مباحثی در مورد خلیج‌فارس‌شناسی، ریشه‌ها و اسناد نامگذاری خلیج فارس ارائه گردید.

جمشید کیان‌فر دبیر علمی همایش از مجموعه اقدامات مرکز پژوهشی میراث مکتوب در این باره گفت:

میراث مکتوب با چاپ جنگنامه کشم و جرون‌نامه درصدد اجرای این همایش که با همکاری استان هرمزگان تشکیل شد، برآمد.

سپس عباس علوی‌نژاد معاونت استان هرمزگان در سخنان خود ضمن خیر مقدم به میهمانان و سپاس از میراث مکتوب جهت برگزاری این همایش، در مورد تاریخچهٔ سیاسی و جغرافیایی این منطقه صحبت کرد.

سپس پیام دکتر حداد عادل، رئیس مجلس شورای اسلامی توسط آقای کرمی، معاونت محترم اقتصادی استانداری هرمزگان و دبیر اجرایی همایش قرائت شد.

در متن پیام دکتر حداد عادل چنین آمده است: «اقدام شایسته مرکز پژوهشی میراث مکتوب در برگزاری منظم مجالس نقد و بررسی کتاب و جشن رونمایی از تازه‌های میراث، گامی مؤثر برای ترویج فرهنگ مکتوب است. اما برگزاری جشن رونمایی کتابهایی که مربوط به حوزه‌های تاریخی و جغرافیایی شهرهای ایران است، آن هم با مشارکت مراکز با چاپ کتاب جنگنامه کشم و جرون‌نامه به معرفی و تثبیت هویت تاریخی حوزه خلیج فارس و جزایر آن ما را یاری می‌رساند.

ایرانیان همواره خلیج فارس را در کانون توجه خویش داشته‌اند. برای این مدعا نیز می‌توان در عصری شواهدی را ارائه کرد. از سنگ‌نوشتهٔ داریوش هخامنشی در کانال سوئز تا کارنامه اردشیر بابکان و پس از آن الفوائد ابن ماجد تا آثار سدیدالسلطنه همگی بخشی از میراث در مورد خلیج فارس به شمار می‌آیند.

اکنون نیز با انتشار جَنگنامه کشم و جَرون‌نامه که با سعی دانشمندان ایرانی و همّت مرکز پژوهشی میراث مکتوب صورت گرفته، بر گنجینهٔ میراث ادبی ایرانیان در مورد خلیج فارس گوهری دیگر افزوده شده است. این اثر و آثار دیگری که یکی پس از دیگری باید به چاپ برسند، در قدم اول گویای موقعیت مستحکم و ریشه‌دار زبان فارسی در این مرز حساس و پر اهمیت ایران زمین است. این خود نشان می‌دهد که میراث مکتوب ادبیات فارسی را می‌توان در مناطق مختلف ایران و جهان سراغ گرفت. همچنانکه این امر نمایانگر ابعاد گوناگون فرهنگ سرزمین پارس است که حافظ و سعدی را در دامان خود پروردــه و تا آن اندازه نامی بلند و آوازه‌ای جهانگیر یافته که از عهد باستان، این دریای نیلگون را به نام «خلیج فارس» نامیده‌اند.

اهمیّت دیگر چنین آثاری، غنا بخشیدن به منابع تحقیقات تاریخی است. تاریخ و منابع مکتوب آن، سند بسیار معتبر اثبات حقایق مربوط به گذشته به شمار می‌آید. این دو اثر به خوبی حضور و حاکمیت ایرانیان در مرزها و قلمروهای تاریخی خویش را نشان می‌دهد و در همان حال سند افتخاری برای هر ایرانی محسوب می‌گردد.

ضمن تشکر از همهٔ محققان و کسانی که در نشر این دو اثر تلاش کرده‌اند، لازم می‌دانم از مساعی مرکز پژوهشی میراث مکتوب و استانداری هرمزگان که این مجلس علمی را پدید آورده‌اند، قدردانی کنم. امیدوارم که در آینده همچنان شاهد نشر چنین آثاری باشیم و هر ساله با چنین رخدادهایی همواره خلیج فارس را در کانون توجهات خویش بیابیم.»

سپس آیت‌الله نعیم‌آبادی نماینده ولی فقیه در استان هرمزگان و امام جمعه بندر عباس در سخنرانی خود ضمن خیر مقدم و تشکر از جناب حداد عادل و مرکز پژوهشی میراث مکتوب از اساتید و پژوهشگران محترم که با صرف وقت و عشق به عزّت ایران اسلامی این همایش را برپا کردند، گفت: مطالعه تاریخی مقاومت‌های مردمی و مجاهدت ملت‌ها برای بیرون راندن اشغالگران نشان می‌دهد که هیچ قدرتی حتی اگر به بهترین امکانات و استحکامات نیز مجهز باشد، در مقابل اراده یکپارچه مردم توان ایستادگی ندارد.

آیت‌الله غلامعلی نعیم‌آبادی افزود: در مقطع کنونی که اهداف استعماری قدیم به شکلی جدید استحاله یافته و هنوز تفکر وابسته و عقب نگه داشتن ملت‌ها را دنبال می‌کند، احیای تاریخ پرافتخار ایران و جمع‌آوری اسناد و مدارک مربوط به هویت ملی و اسلامی ایران از ارزش بالایی برخوردار است. وی همچنین از هنرمندان و چهره‌های فرهنگی دعوت کرد تا با تهیه فیلمنامه‌ها و آثار هنری رشادت‌های تاریخی مردم هرمزگان را در معرض دید عموم قرار دهند.

سپس دکتر محمد باقر وثوقی و دکتر عبدالرسول خیراندیش مصححان این کتاب ضمن سخنرانی در مورد چگونگی و علت تصحیح کتاب، به پرسش‌های مدعوین پاسخ گفتند. مشارکت افراد بومی در مباحث با ارائه اطلاعات تاریخ شفاهی آنان بر اهمّیت این بخش افزود.

در روز دوم که در دو بخش اجرا شد، ابتدا ارائه دهندگان مقاله در این زمینه مقالات خود را ایراد کردند. اکبر

ایرانی، دکتر منصوره اتحادیه، دکتر محسن جعفری مذهب، محمدحسین ساکت، احمد حبیبی، داریوش رحمانیان، دکتر مصطفی ندیم، دکتر ابوالقاسم فروزانی، محمدرضا سحاب، حسین نوربخش، علی بلوکباشی و ... از جمله ارائه دهندگان مقاله در این همایش بودند که طبق برنامه به ارائه مقالات پرداختند. همچنین چند شاعر محلی که در این زمینه شعر سروده بودند، اشعار خود را ارائه کردند. و در پایان دکتر شیخ الاسلامی استاندار استان هرمزگان به ایراد سخن پرداختند.

دکتر شیخ الاسلامی ضمن خیرمقدم و تشکر از برگزاری این همایش توضیح مختصری از شرایط سیاسی ـ اقتصادی و منطقه‌ای استان و مشکلات آن بیان کردند.

وی گفت: با توجه به برپایی این همایش من به عنوان استاندار این استان، ایجاد مرکزی که بتواند پژوهشهای صورت گرفته را جمع‌آوری کند را در برنامه‌های کاری خود قرار می‌دهم. و از اندیشمندان و مرکز پژوهشی میراث مکتوب نیز قول همکاری می‌گیرم تا این عمل به انجام برسد. ایشان این وعده را به عنوان اثر فوری برگزاری این همایش تلقی کرد.

در پایان از سخنرانان و مقاله‌نویسان با اهداء لوح‌تقدیر از طرف مرکز پژوهشی میراث مکتوب و هدیه‌ای از سوی استانداری استان هرمزگان تقدیر به عمل آمد.

گزارش آقای جمشید کیان‌فر دبیر علمی همایش

سال پیش اقدام ننگین و زشت و ناپسندی از طرف یکی از مؤسسات جغرافیایی به نام نشنال جئوگرافی صورت گرفت، بدین صورت که نام همیشه جاویدان خلیج فارس را که نامی اصیل و ایرانی و برگرفته از سرزمین کهن و تاریخی پارس است به نام تحریف شده و جعلی انیرانی در نقشه‌های خود چاپ کرد. این اقدام ناپسند نخستین بار نبود که صورت می‌گرفت تحریفی که با استعمار قدم به دریای نیلگون خلیج فارس نهاد قدمی بس شوم و نامیمون، ورنه به دور از هر گونه حب و بغض همگان می‌دانند که نام مقدس آن خلیج فارس است و حتی گفتن خلیج فارس به تنها کراهت دارد درست همانند آنکه در جمعی ما شخصی را حسن صدا کنیم و ناگهان با جواب ده‌ها حسن مواجه شویم اما اگر بگوییم آقای حسن محمدی، طبیعی است یک شخص جواب خواهد داد، پس واژه محمدیِ معرف او در میان حسن‌های دیگر است.

معمولاً نام دریاها و خلیج‌ها برگرفته از نام اقوام یا سرزمین‌هایی است که در مجاور آن دریا و خلیج قرار دارند و زندگی می‌کنند، همچانکه دریای کاسپین به نام سرزمین قزوین، و یا مازندران و گیلان و گرگان و خزر نامیده می‌شود.

پس چرا دریائی که از قدیم‌الایام سواحل شمالی و جنوبی آن تحت سیطرهٔ ایرانیان بوده باید به نام انیرانی از آن یاد کرد و اگر هم چنین نامی بوده در کدام منبع مکتوب و نوشتاری یافت می‌شود سرزمینی که امروز به نام عمان نامیده می‌شود، مظاهر تمدن ایرانیان در آن سرزمین به وضوح آشکار است:

در قدیمی‌ترین منابع اعم از یونانی و رومی، پارسی و همه جا نام این دریای نیلگون را دریای پارس و خلیج فارس نوشته‌اند حتی در منابع هم از این دریا به الخلیج الفارسی و بحر فارس یاد شده، در *دایرةالمعارف بستانی* این دریا را الخلیج العجمی می‌نویسد که مقصود همان خلیج فارس است و حتی اگر واژه عجم را به معنای دقیق آن غیر عرب بگوییم باز هم خلیج غیر عرب یاد شده است.

وقتی خودمان در نقشه‌های رسمی و غیر رسمی و حتی در کتابهای درسیمان نام دریای مکران را تحریف کرده دریای عمان می‌نویسیم و بجای نام سرزمین وسیعی که در کرانه شمالی دریا قرار گرفته فقط به نام سرزمینی اطلاق می‌شود که حتی ۱۵ مکران هم وسعت ندارد و با دریا همرز نیست.

همین عوامل سبب می‌شود که مؤسسه نشنال جئوگرافی در مقابل دریافت مشتی دلار دین و ایمان نداشته خود را بفروشد و به خود اجازه دهد که مرتکب چنین عمل زشت و ننگین شود.

مرکز پژوهشی میراث مکتوب از همان آغاز انتشار این مطلب تحریفی با تکیه بر مستندات متون تاریخی و جغرافیایی اعتراض خود را به مؤسسه مذکور یادآور شد. مرکز پژوهشی میراث مکتوب افزون بر اعتراض کتبی از همان روزها به فکر برپائی چنین همایشی بود و با اولویت دادن به چاپ جنگنامه کشم و جرون‌نامه، همزمان با رونمائی کتاب یاد شده برای برگزاری چنین همایشی برنامه‌ریزی کرد.

با محققان و پژوهشگران در حوزه خلیج فارس از زبانشناسی و مردم‌شناسی گرفته تا محققان و استادان تاریخ و جغرافیا تماس حاصل کرد و درخواست مقاله و ارائه آن در این همایش شد.

چکیده مقالات ارائه شده

تفصیل این مقالات در ویژه‌نامه‌ای منتشر خواهد شد.

۱. خلیج فارس در آثار حافظ ابرو

سیدعلی آل داوود

مشاور حقوقی مرکز پژوهشی میراث مکتوب

شهاب‌الدین عبدالله خوافی بهدادینی معروف به «حافظ ابرو» مشهورترین مورخ و جغرافی‌نویس سدهٔ نهم هجری و درگذشته به سال ۸۳۲ ق. آثار و نوشته‌های متعددی در تاریخ عمومی، تاریخ ایران و جغرافیای جهان و ایران دارد. هر چند او در نگارش قسمت‌های مختلف آثار خود از کتاب‌های پیشینیان اعم از عربی و فارسی استفاده قابل توجهی برده لیکن نوشته‌های و اطلاعات تازه در کتاب‌های او بسیار است. او از خلیج فارس به عنوان دریای پارس نام برده و مخصوصاً در قسمت مربوط به فارس و کرمان جغرافیای خود حوزه جغرافیایی این دریای پهناور را تعیین و تشریح کرده است. از جمله در یکجا گوید: دریای پارس از کرانه‌های عبادان و بصره آغاز و تا هند ادامه دارد. منظور وی آن است که حتماً نامی را که امروزه به نام دریای عمان شهرت یافته نیز ادامه همان دریای پارس به شمار آورده است. به جز جغرافیا، در آثار تاریخی خود نیز به مناسبت نامی از دریای پارس و جزایر داخل آن به خصوص قشم، هرموز و کیش آورده است. موضوع این گفتار بررسی نام خلیج فارس در آثار این مورخ برجسته سدهٔ نهم هجری ایران است.

۲. بررسی محدودهٔ دریای پارس در منابع جغرافیایی یونان و روم

بدرجهان ابراهیمی‌نژاد

دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ، دانشگاه تهران

محدودهٔ دریای پارس یا «خلیج فارس» در طول تاریخ متغیر بوده است و بر اساس متون جغرافیایی موجود می‌توان دریافت که مرزهای آبی و پس کرانه‌های این آبراه مهم از قدیم‌ترین ایام تا عصر حاضر دگرگونی‌های فراوان دیده است. در این مقاله سعی شده است با استفاده از منابع جغرافیایی یونانی و به ویژه نوشته‌های بطلمیوس، استرابون و پلینی و برخی دیگر از منابع تاریخی، محدوده جغرافیای دریای پارس مشخص گردد و تصویری عام از آن بر اساس نقشهٔ تاریخی جغرافی نویسان مکتب یونان ارائه گردد.

۳. تجارت اسلحه در خلیج فارس

دکتر منصورهٔ اتحادیه

استاد بازنشسته گروه تاریخ دانشگاه تهران

در اواخر قرن ۱۳ و آغاز قرن ۱۴ هجری قمری، ایران دستخوش اغتشاشات و ناآرامی‌های گسترده بود، یکی از عوامل آن تجارت اسلحه در خلیج فارس بود که از مدتی قبل روندی افزایشی داشت. در سال ۱۲۹۸ ق. دولت ایران سعی کرد که ورود اسلحه را خارج از اختیار دولت قدغن نماید، ولی در این امر موفقیتی نداشت. در این میان نه انگلیس‌ها ـ که بزرگترین وارد کنندگان اسلحه به ایران بودند ـ و نه تجار ایران ـ که منافعی از این تجارت می‌بردند ـ همکاری می‌کردند. اما به مرور که اغتشاشات ادامه یافت، منافع انگلیس‌ها در جنوب ایران به خطر افتاد و دولت انگلیس در صدد برآمد که دربارهٔ شرایط این تجارت اطلاعاتی کسب کند، و نیز از آن جلوگیری کند. اما از این اقدام موفقیت چندانی بدست نیاورد و اسلحه کماکان به صورت قاچاق وارد ایران می‌شد. این مسئله و اطلاعات مربوط به آن و اقدامات دولت ایران و انگلیس برای تجدید آن در دوسیه‌ای در بایگانی دولت انگلیس PRO موجود است که منبع اصلی این گزارش می‌باشد، مسئله‌ای را مطرح می‌کند که علی رغم اهمیّت آن کمتر بدان توجه شده است.

۴. خلیج فارس در متون کهن عربی

اکبر ایرانی

رئیس مرکز پژوهشی میراث مکتوب

خلیج فارس در متون کهن عربی از اواخر قرن دوم به بعد در ذیل تعابیری چون: بحر فارس، البحر الفارسی، الخلیج الفارسی و بَحرُ من ارض فارس، تحت فصولی از کتب جغرافیا، نجوم، الجواهر و ... بکار رفته است.

این موضوع در کتابهایی چون *العین* خلیل بن احمد فراهیدی (۱۷۰ هـ) تاریخ یعقوبی (حدود ۲۴۰ هـ) *الجواهر و صفاتها* ابن ماسویه (۲۴۳ هـ)، *المدخل الکبیر الی علم احکام النجوم* (تألیف در سال ۲۲۰ هـ) از ابومعشر بلخی (۲۷۲ هـ)، کتاب *البُخَلاء* جاحظ (۲۵۵ هـ) و ... گرفته تا متون قرن دهم که در این مقاله، سعی شده نام بیش از ۵۰ متن کهن ذکر شود.

۵. بررسی منزلگاه‌های مسیر نیروی‌های صفوی

به سوی قشم

احمد بازماندگان خمیری

پژوهشگر در حوزهٔ خلیج فارس

از مسائلی که در مورد تصرف گمبرون و قشم کمتر بدان توجه شده است، مسیر حرکت نیروهای صفوی است. در این مقاله سعی شده است منزلگاه‌هایی که احتمالاً قوای صفوی در مسیر حرکت خود آن را پیموده‌اند بررسی شود. احتمالی بودن این مسیرها بدان جهت است که در منابع اشارهٔ چندانی به محلی که نیروهای صفوی از دریا عبور کرده و در قشم نیرو پیاده کرده‌اند نشده است. در این جا می‌توان چهار مسیر را فرض کرد:

الف) مسیر لار ـ میناب و حمله از هرموز قدیم به قشم.

ب) مسیر لار ـ بندرعباس و حمله از بندر عباس به قشم.

ج) مسیر لار ـ بندر پل.

د) مسیرلار ـ بندر کنگ و حمله از کنگ به قشم.

گزینهٔ آخر به دلیل بعد مسافت و ناهموار بودن راه بسیار بعید است که مورد استفاده قرار گرفته باشد.

از چهار مسیر فوق، گزینه اوّل در ابتدا نمی‌توانست مورد استفاده قرار گیرد؛ زیرا که قلعهٔ قشم در کنار ساحل قرار داشت و از سمت دریا به شدت حفاظت می‌شد. علاوه بر آن نزدیکی آن به هرموز مانع از آن بود که کشتی‌های صفوی بتوانند به سادگی از دریا عبور کنند. اما بعداً که نیروهای صفوی قلعه را محاصره نمودند و رابطهٔ آن را با هرموز قطع کردند، امام قلی خان نیروهای کمکی را از آن جا به سمت قشم گسیل داشت.

مسیر دوم نیز همان مشکل را داشت هر چند منزلگاه‌های آن با منزلگاه‌های میناب ـ لار فرق می‌کرد. برای طی این راه باید از صحرای سوزان و رودخانه خونو که دارای شن زارهای باتلاقی خطرناک بین بندر عباس و کهورستان عبور کرد. اما گذشتن از دریا بین بندر عباس و قشم به دلیل مشکلاتی که در مورد میناب ـ قشم ذکر شد بسیار خطرناک بود.

مسیر سوم شاید بهترین و کم خطرترین مسیر باشد. این راه از لار تا کهورستان با بندر عباس مشترک است اما در این جا جدا شده و یک شاخه به سمت غرب می‌رود که به بندر پل و بندر خمیر منتهی می‌گردد و در ادامه به بندر کنگ می‌رسد. این مسیر از چند جهت به صرفه‌تر بود:

۱. در این مسیر رودخانه یا صحرای سوزان وجود ندارد. ۲. بندر پل نزدیک‌ترین نقطهٔ ساحلی ایران به جزیره قشم است. ۳. به دلیل دور بودن این نقطه از قلعهٔ پرتغالی‌ها عبور از آن کم خطرتر بود. این عوامل موجب شد که اولین حمله‌ی نیروهای صفویه از طریق بندر پل و تصرف لافت در جزیره قشم، صورت گیرد.

در این مقاله منزلگاه‌هایی که بین لار و بندر پل وجود دارد و احتمالاً نیروهای صفوی از آن عبور کرده‌اند بررسی می‌گردد. در کنار آن اشاره‌ای گذرا به راه‌های دیگر نیز می‌شود. بررسی این مناطق بیشتر بر اساس منابع دست اول و سفرنامه‌ها است چرا که سیاحانی که از این مسیر عبور می‌کردند مشاهدات خود را نوشته‌اند.

۶. خلیج فارس و ترکیب قومی ـ فرهنگی جزیره‌نشینان قشم

علی بلوک باشی

مدیر گروه مردم شناسی مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی

موقعیت مهم دریای فارس در پیوند دادن جهان شرق و غرب به یکدیگر و نزدیک کردن اقوام به هم اهمیّت خاصی به خلیج فارس از ابتدای تاریخ داده است. بنا بر نوشتهٔ ویلسن در کتاب

خلیـج فارس ، زمانـی که هنوز آب دریـای مدیترانه با گذر کشـتی‌ها شـیار نیافته بود، رویدادهـای بزرگی در پهنهٔ آب‌های خلیـج فارس رخ داده که در روند تکامل نژاد و اقوام انسـانی و تاریخ بشری تأثیر زیادی گذاشته لسـت

طبیعیدانـان و مورخـان و جغرافیانویسـان یونانی و رومی، مانند استرابون (ظاهراً. ۶۳ پ م تا ۲۴ م) پلینیوس (= پلینـی) (مـرگ ۷۹ م) و بطلمیوس (مرگ حدود ۱۶۷ م) در نوشته‌هایشان به دریای فارس و خشکی‌های کنار و داخل آن اشـاره می‌کنند. از اشـارات آنهـا درمی‌یابیم کـه در زمان‌های بسـیار دور قوم‌هایی در سـواحل این دریا می‌زیسـتند که از آب‌ها و جزایـر خلیج فارس برای ارتباطات تجاری و نظامی خود بهره می‌گرفتند.

در این گفتار پس از مقدمه‌ای کوتاه دربارهٔ جغرافیای انسـانی و فرهنگی خلیج‌فارس، به افسانهٔ ورود نخستین انسان به جزیرهٔ قشم و پیشینهٔ استقرار نخستین گروه‌های قومـی در آن در دورهٔ هخامنشـیان (۵۹۹ ـ ۳۳۰ پ م) و مهاجـرت تدریجی گروه‌های نژادـی ـ قومی دیگر در دوره‌های بعدی پیش و پس از اسـلام خواهیم پرداخت. سـرانجام در مبحـث پایانی دربارهٔ ترکیـب قومی مردم کنونی جامعهٔ قشـم و زبان و گویش‌هـای رایج در میان گروه‌های مختلف جمعیّتی سخن خواهیم گفت.

۷. سفرهای دریا سالار مسلمان چینی ژنگ خه در دریای پارس

دکتر محسن جعفری مذهب

عضو هیأت علمی کتابخانهٔ ملی ایران

هنگامی که امیـر تیمور گورکان جان بـه جان‌آفرین داد (۸۰۷ هجری)، دریانوردی چینی و مسـلمان، نخسـتین سـفر خود در اقیانوس هند را آغاز کرد.

ماخـه Ma He (در چیـن، واژه «ما» مخفف نام محمد اسـت)، در سال ۷۷۳ ق / ۱۷۳۱ م در خانواده‌ای فقیر از مردم هوی Hui (مسـلمانان چینی) در استان یون‌نان Yunnan در جنوب شرقی چین بدنیا آمد. پدر بزرگ و پدرش سفری به مکّه رفته بودند. سفر آنها تأثیر زیادـی در تربیت مای جوان داشـت. او چینی و عربی را آموخت و از دنیای غرب خود و جغرافیا و رسوم آن بسیار فرا گرفت.

در سن ده سـالگی خدمتکار یکی از اعضای خاندان پادشاهی شد و دو سال بعد از ملازمان شاهزاده یان Yan شـد که بعدها نام پادشـاهی یونگ له Yong Le را گرفت. ما، شاهزاده را در بسیاری از لشرکشی‌هایش یاری داد و نقش قاطعی در گشودن نانجینگ Nanjing و سپس پایتخت بازی کرد. ما سـپس فرماندهی سپاهیان ویـژهٔ شـاهی را گرفت و نـام چینی ژنـگ را برای خود برگزید. پادشـاه یونگ له که تلاش داشت تا چهرهٔ خود به عنوان غاصب پادشـاهی را پاک کند، ناوگان بزرگی را به غرب فرسـتاد تا نمایندگان حاکمان آسیایی را به چین آورد. او در ضمن می‌خواست تا انحصار بازرگانی دریایی را از آن خود کند و بازرگانان چینی را در زیر تسـلط خود درآورد. او فرماندهی ناوگانش را به ژنگ خه سپرد.

ژنگ در سال ۱۴۰۵ م / ۸۰۸ ق فرماندهی بزرگترین ناوگان دریایی تاریخ تا زمان خود را به دسـت گرفت. او پس از بیسـت و هشت سال (۱۴۰۵ ـ ۱۴۳۳ م / ۸۰۸ ـ ۸۳۷ ق) در هفت سـفر دریایی، سـی و هفت کشور از آسیای جنوب شرقی تا عربستان و شرِ آفریقا را درنوردید. در آن سـالها، چین بزرگترین کشـتی‌های عصر خود را می‌ساخت.

ژنگ خه هفت سـفر به اقیانوس هند داشت که در سـفرهای آخر از خلیج فارس و بندر هرمـز بازدید کرد. نخسـتین سـفر در محرم ۸۰۸ ق / جولای ۱۴۰۵ م و آخرین آن در سال ۸۳۳ ق / ۰۳۴۱ م انجام شد و در سال ۸۳۷ ق / ۳۳۴۱ م در هند درگذشت.

۸. ترکیب سپاه ایران در جنگ با پرتغالیها

نادره جلالی

پژوهشگر متون تاریخی

سرزمینهای ساحلی جنوب ایران و آبهای خلیج فارس محل رویداد بسـیاری از حوادـث تاریخی در طول زمان بوده اسـت. در عصر صفوی به ویژه شاه عباس اول نیز وقایعی چون تسخیر لار، بحرین، بندر جرون (گمبرون و بندرعبـاس بعدی) در این منطقـه رخ داد. از این‌رو برای شـناخت تاریخی، اجتماعی و فرهنگی شهرهایی که در

این منطقــه دارای اهمیّت بوده‌اند، آثــاری که در قرون گذشته راجع به آنجا و در زمان بروز واقعه به رشتهٔ تحریر درآمده‌اند، حائز اهمیّت اســت. زیرا مؤلف خود از نزدیک بسیاری از حوادث را به چشم دیده و بر اساس مشاهدات خود یــا از افراد موثقــی که در محل وقــوع حادثه حضور داشته‌اند، مطالبی را شنیده و اثر را نگاشته است. از سوی دیگر این دسته از منابع حاوی اطلاعات جدیدی برای پژوهشگران امروزی خواهد بود و بسیاری از نکات مبهم و تاریک تاریخی را روشن خواهد کرد. جنگنامهٔ کشم و جرون‌نامه نیز از جمله این آثار هستند که برای شناخت بیشتر یکی از رخدادهای مهم تاریخی عصر شاه عباس یعنی فتح قشم و هرموز از اهمیّت بسیار برخوردارند. اگر چه باید به این نکته توجه داشت که متن کامل منظومهٔ جرون‌نامه در دست نیست و آنچه که موجود است ناقص است اما با این همه، تفاوت بسیاری در گزارش وقایع بین سرایندهٔ جرون‌نامه با اسناد و روایات انگلیسها وجود دارد که با توجه به تاریخ محلی و اطلاعاتی که دربارهٔ امامقلی خان و اقدامات و مجاهدتهای او و دیگر افراد برجستهٔ سپاه ایران در فتح قشــم و هرموز به دست می‌دهد، در این مقاله به بررسی ترکیب سپاه ایران در جنگ با پرتغالیها پرداخته خواهد شد.

۹. هرمزگان در کرانه‌های شمالی خلیج فارس

احمد حبیبی

پژوهشگر خلیج فارس، فرماندار بستک

تاریــخ پرفــراز و فرود «خلیــج فــارس» (خلیــج فــارس، دریای پارس، بحر فارس) Persian Gulf تاریخی روشن و عبرت‌آموز اســت کــه زندگــی مردم ســواحلش بــا آن پیوندی عمیق و ناگسســتنی دارد. «هرمــزگان» یکی از اســتان‌های آرمیده بــر کرانه‌های شمالی خلیج همیشه فارس و «تنگه‌ی هرمز» نیز چنان با این جایگاه استراتژیکی، عقد اخوت بسته است که گویی «توأمــان» و «هم زاد» قرن‌ها پیش، از بطن مادر تاریخ، زاییده‌انــد. بنابراین، هر مقوله‌ای که از تاریخ و جغرافیای خلیج فارس، بحث و گفت و گو کند، از داســتان اســتان هرمزگان نیز حکایت‌ها عرضه خواهد کرد.

از روزگاری که پارسی‌ها و آریایی‌ها به جوار دریای جنوب رسیدند، یعنی از هزارهٔ دوم پیش از میلاد، نام این دریا را «دریای پارس» یا «خلیج فارس» گذاشتند. «استرابون» جغرافی‌دان یونانی که در نیمهٔ آخر یک قرن قبل از میلاد می‌زیست، محلّ سکونت اعراب را منطقه‌ای بین خلیج عرب (دریای سرخ، بحر احمر) و خلیج فارس ذکر کرده است. «بطلمیوس» بزرگ‌ترین عالم هیأت و جغرافیای قدیم، در قرن دوم میلادی، از این دریا به نام «ســینوس پرسیکوس» sinus persicus (خلیج فارس) یاد کرده است.

آن چه مسلّم است و همگان بر آن اذعان دارند این است که تمام ملل متمدن جهان از زمان‌های گذشته تاکنون، نام این دریای ایرانی را به زبان خود، «خلیج فارس» خوانده‌اند.

استان هرمزگان یکی از ۳۰ استان کشور جمهوری اسلامی ایران است که در جنوب کشور و بین مختصّات جغرافیایی ۲۵ درجه و ۲۴ دقیقه تا ۲۸ درجه و ۵۷ دقیقه‌ی عرض شمالی و ۵۳ درجه و ۴۱ دقیقه تا ۵۹ درجه و ۱۵ دقیقه‌ی طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ واقع شده است.

هرمــزگان با ۶۷ هزار کیلومتر مربع وســعت و بیش از یک میلیون و دویســت هزار نفــر جمعیت، دارای ۱۱ شهرستان است که عبارتند از:

۱. بندر عباس (مرکز استان)، ۲. ابوموسی، ۳. بستک، ۴. بندــر لنگه، ۵. جاســک، ۶. حاجی آباد، ۷. خمیر، ۸. رودان، ۹. قشم، ۱۰. گاوبندی، ۱۱. میناب.

۱۰. رویکردهای نو در سیاست خارجی صفویان بر اساس جنگنامه کشم و جرون نامه

دکتر عبدالرسول خیراندیش

عضو هیأت علمی دانشگاه شیراز

دو متن جنگنامه کشم و جرون نامه هــر چند بــه ظاهر رویدادی دــر یک منطقه مشــخص و محدــود جغرافیایی را بازگو می‌کنند، اما اشــاراتی در آن وجود دارد که نشــان می‌دهد این رویداد تاریخی جزیی از یک طــرح کلی‌تر برای دولت صفویان

بوده اســت. در قدم اول باید توجه داشت که وقایع فتح قشــم و هرمز، همزمان با عملیات نظامی دولت صفویان در مرزهای هندوستان بوده است.

عملیاتی که به سود آن دولت در قضیه قندهار خاتمه یافت. بر این اساس می‌توان آن را سرآغازی برای حضور قدرتمندانهٔ ایران در حوزهٔ اقیانوس هند دانست. همچنین بر اساس گزارش جرون‌نامه ، شاه عباس به امام قلیخان در مورد تدارک تصرف بصره دستوراتی صادر کرده است. پیش از آن خاندــان الله وردی خان با افزودن مناطقی از غرب به قلمرو حکمرانی خویش در فارس، حضوری موثر در مجموعه عملیات نظامی دوره شاه عباس در عراِ عرب که قلمرو عثمانی محســوب می‌شد یافته بودند. این همه نشــان می‌دهد که پــس از حدود یک قــرن از تحولات جهانــی که خلیج فارس را به عنــوان یکی از کانون‌های مهم تحولات جهانی در آورده دولت صفویان در فرصت و فراغتی که از مرزهــای زمینی خود یافته، رویکردی نو به مسائل دریا و دریانوردی دارا شده است.

۱۱. نقش و جایگاه خلیج فارس در روابط خارجی ایران دوره قاجار

داریوش رحمانیان

استادیار گروه تاریخ دانشگاه تهران

ایــران از روزگاران کهن با غرب و دولتهــای قدرتمند غربی ارتباط داشــته اســت، امّا در عصــر جدید با پیدایش پدیــده اســتعمار ماهیّــت و جوهــره روابط ایــران و غرب دگرگون شد. این نکته‌ای بس مهم و قابل تأمل اســت که قدرتهای استعماری نوظهور دــر غرب جدید عمدــهٔ قدرتهای دریایــی بوده‌اند، بدین معنی کــه نقطه اتــکای آن عمدهٔ نیروی دریایی شــان بوده اســت. یعنی چیزی که دســت کم در عصر جدید همواره از نقاط ضعف ایران و دولتهای ایرانی بوده است. با نگاهی به تاریخ روابط خارجی ایران در چند صد ســال اخیر آشکار می‌شود که بیشترین فشارها بر ایران از ناحیه دریا بوده است. از هنگامی که آلبو کرک دریانورد نامدار پرتغالی، از بنیانگذاران و پیشتازان استعمار جدید اروپایی، به خلیج فارس وارد شــد و جزیرهٔ هرمز را مســخر کرد تا دوره معاصر روابط و سیاســت خارجی ایران همواره متأثر از ضعف در عرصه دریایی بوده اســت. در عصر قاجار به ویژه در قضیه هرات دوره محمد شاه و دوره ناصری این ضعف آزارنده بیش از هر دوره دیگری خودنمایی کرده اســت. مقالهٔ حاضر ضمن گزارش اجمالــی این مقدمات تلاش دارد تا با بررسی موردی سیاست خارجی امیرکبیر به ویژه در محور خلیج‌فارس این پرســش مهم و بنیادی را مطرح ســازد و پاسخ گوید که مصلحان ایرانی، از عصر قاجار به این ســو ـ یعنــی از آغاز روند اصلاحات و تجدد خواهــی و مبــارزه با نفــوذ بیگانه ـ تا چه حد نســبت به ضعف ســنتی ایران در دریا و پیامدهای بسیار زیانبار آن برای اســتقلال و تمامیت ارضی ایران آگاهی یافته بودند و نیز تا چه حد در فکر بر طرف کردن آن ضعف اساســی بودنــد. با توجه به تنگی مجال حد و حدود مقاله منحصر به دوره زمامداری امیرکبیر و سیاســت خارجی او خواهد بود. گذشته از اقدامات دوره شاه عباس یا نادر شاه به نظر می‌رسد نخســتین دولتمرد مصلحی که درک عمیقی از این ضعف پیدا کرد و برنامه‌ها و طرح‌هایی برای بر طرف کردن آن داشت، میرزا تقی خان امیرکبیر بود.

۱۲. ایالــت پــس کرانــه‌ای خلیــج فــارس در دورهٔ هخامنشیان

سیّد بابک روح الامینی

دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ، دانشگاه تهران

تقسیمات اداری پس کرانه‌ای خلیج فارس به عنوان پشــتیبان اصلی تجارت دریایی این آبــراه مهم در طول تاریخ تغییرات نه چندان عمده‌ای یافته است. با این همه این نواحی کرانه‌ای از لحاظ شــکل سیاســی و ســاختار اداری تاکنــون به طور کامل مورد بررســی قرار نگرفته است.

در این مقاله ســعی شده با اســتفاده از منابع یونانی کتیبه‌ها و متون هخامنشیِ ضمن بررسی تقسیمات اداری این نواحی نقش این ایالات در ساختار اداری هخامنشیان و تجــارت دریایی آن دوران مورد مطالعــه قرار گیرد. از ســوی دیگر نقشــی که ایــن ایالات در ســاختار درونی امیراطوری هخامنشی برعهده داشته‌اند نیز یکی دیگر از جنبه‌های بررسی ما در این مقاله محسوب می‌شود.

۱۳. ایران، اسلام و پاسداری از حقوق زیستْ بومی

محمدحسین ساکت

مشاور علمی مرکز پژوهشی میراث مکتوب

پارسیان باستان پیش از دیگر مردمان با باختر پیوند پیدا کرده‌اند. مردمی که در کناره‌های خلیج فارس از دیرباز تا امروز می‌زیسته‌اند سرگذشت و سرنوشت شگفت‌انگیز و شور و شیرینی داشته‌اند. به خاطر نقش راهبردی خلیج فارس در جهان از دیدگاه‌های دریانوردی، نظامی، اقتصادی ،بازرگانی و منطقه‌ای، امنیّتی پیوسته آب‌های نیلگون و گرم آن مورد توجه و کشمکش و چشم و همچشمی بوده است.

یکی از مسائل بحث‌انگیز و مهمّی که کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس با آن روبرویند و برای خود ایران نیز حیاتی است، پاسداری از حقوق زیست‌بومی و یافتن راهکارهایی مؤثر و مناسب با نیازها و فنّاوری روز در این زمینه است.

پرداختن به فرهنگ پاکیزگی بر پایه‌ی آموزش‌های دین بهی که در فرهنگ ایران الگوی جاندار و یگانه‌ای برای بهداشت زیست‌بومی و جلوگیری از آلودگی بوده است از یک سو، آموزه‌های ژرف و تأکید کننده بر فطرت و پالایش آن به دست انسان و لزوم پل زدن میان فطرت پاک و محیط پاک که اسلام بر آن تکیه کرده است از سوی دیگر، می‌تواند ما را در یافتن بخشی از آن راهکارها رهنمون گردد.

از آنجا که امروز مسائل پاسداری از حقوِ زیست بومی (echology) یکی از بغرنج‌های جامه‌های بشری است و «حقوِ زیست بومی» یکی از شاخه‌های نورسته‌ی دانش حقوِ به شمار می‌آید، طرح همدستی فرهنگ ایرانی و بینش اسلامی در پدیداری روش یا روش‌هایی برای جلوگیری از آلودگی زیست بومی تکاپویی ارزشمند خواهد بود. این گفتار می‌کوشد به کوتاهی به گوشه‌هایی از این نیاز پاسخ بگوید.

۱۴. خلیج فارس در آثار نقشه نگاران دوره باستان

محمدرضا سحاب

مدیر موسسهٔ جغرافیایی و کارتوگرافی سحاب

نقشه‌های خلیج فارس و به طور کلی، نقشه‌های دنیای قدیم (نیمکره شرقی) را می‌توان در چهارگروه رده بندی کرد: «دوره باستان»، «دوره اسلامی»، «دوره رنسانس» و «دوره مدرن» که در این مقاله، نقشه‌های دوره باستان مورد بررسی قرار گرفته است.

در همه آثار بر جای مانده از جغرافی‌دانان و نقشه‌نگاران یونان و روم، از تالس ملطی و آناکسی ماندر در سدهٔ هفتم پیش از میلاد گرفته تا سن بئاتوس و البی در سده هشتم میلادی، عبارت Persicus Sinus که نام یونانی خلیج فارس و یا Mare Persicum که نام رومیِ این آبراه است مورد کاربرد قرار گرفته است.

از دیگر نقشه نگاران این دوره که از شهرت جهانی برخوردار است و در آثارش از نام Persicus Sinus استفاده کرده باید به کلودیوس بطلمیوس اشاره کرد که آثارش در سده‌های بعد به زبان عربی نیز ترجمه شد و مورد کاربرد فراوان جغرافی‌دانان و نقشه‌نگاران مسلمان قرار گرفت.

در این مقاله حدود پنجاه نمونه از آثار نقشه‌نگاران دوره باستان، همراه با توضیحات به نمایش درخواهد آمد. یکی از نکات جالب توجه در این مبحث این است که عبارت Persicus Sinus در همه این نقشه‌ها برای پهنه آبی میان فلات ایران و شبه جزیره عربستان و عبارت Sinus Arabicus برای دریای سرخ امروزی به کاربرده شده است.

۱۵. خلیج فارس: پرچم هویّت ایران

سیّدمحمود سجّادی

پژوهشگر ادب فارسی

اهمیّت تاریخی، جغرافیایی، استراتژیکی، ژئوپلتیکی و اقتصادی خلیج فارس بر هیچکس پوشیده نیست. همین موقعیّت حسّاس و ممتاز آن باعث شده که در طول تاریخ از اسکندر مقدونی گرفته تا استعمارگران انگلیس معاصر و مزدورانشان چشم طمع به آن داشته باشند که البته هرگز نتوانسته‌اند و نخواهند توانست حتی یک وجب به مقاصد شوم خود نزدیک شوند. یکی از مقدّمه چینی‌ها و زمینه‌سازی‌های این هدف پلید جعل بعضی عنوان‌های مضحک و قرار دادن آن به جای خلیج فارس است.

می‌دانیم تمام منابع و مدارک تاریخی، جغرافیایی، رحله‌ها، گزارشهای سیاسی، نظامی و اقتصادی همه جا از خلیج فارس به همین عنوان تاریخی یعنی «خلیج فارس» یا «دریای پارس» یا عباراتی مُشعر بر ایرانی بودن آن نام برده‌اند. در مدارک منظوم هم با همین نام یا نام‌ها مواجهیم. نگارنده ضمن سرایش و ارائه قصیده‌ای حدود ۲۰ بیت کوشیده است اولاً وابستگی عمیق ملّی و عاطفی خود و ملّت خود را به این منطقهٔ بزرگ و عزیز ایرانی نشان داده و در ضمن به بعضی از مدارک مهم ـ منظوماً ـ اشاراتی داشته باشد.

۱۶. بررسی اوضاع خلیج فارس به روایت سفرنامه‌های اروپائیان در عصر صفویه

بدرالسادات شاهرضایی

مترجم مرکز پژوهشی میراث مکتوب

خلیج فارس در طول تاریخ به لحاظ موقعیت مناسب اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و نظامی شهرهای ساحلی و جزایر حاشیه‌ی آن همواره مورد توجه بیگانگان بوده است. استعمارگرانی چون پرتغالیها، هلندیها، فرانسویها، آلمانیها و انگلیسیها از دیرباز به ارزش بالای خلیج فارس پی برده و هر یک نظر به موقعیت جغرافیائی و سوق الجیشی ممتاز این منطقه جهت پیشبرد مقاصد خود و بهره برداری از آن اقدام به تصرف شهرها و جزایر حاشیه‌ای خلیج فارس نموده‌اند.

این گفتار، سعی بر آن دارد ضمن معرفی اجمالی از برخی رجال سیاسی و سیاحان ممالک اروپایی در عصر صفوی به علل و انگیزه سفر آنها به ایران اشاره و سفری کاوشگرانه در اعماق برخی از این سفرنامه‌ها داشته باشد تا به استناد روایت هر یک از آنان و تصاویر و نقشه‌های موجود در سفرنامه‌های آنها و اطلس نقشه‌های جغرافیایی و اسناد تاریخی درباره خلیج فارس منتشره توسط موسسهٔ سحاب، به بیان دیدگاهها و استخراج نظرات آنان در خصوص نحوه عبور از خلیج فارس و توصیف آنها از شهرها و جزایر آن در روزگار سلطنت صفویه داشته باشد.

این مقاله به مطالعه و بررسی سفرنامه‌های زیر پرداخته است:

سفرنامهٔ شاردن ، نوشته شوالیه شاردن، سیاح مشهور فرانسوی (۱۶۴۳ ـ ۱۷۱۳ م).

سفرنامهٔ تاورنیه ، اثر بارون تاورنیه، دیگر جهانگرد معروف فرانسوی که در سدهٔ هفده میلادی چندین بار به ایران سفر کرد. وی درباره دریا نوردی در بخشی از سفرنامه خود چنین نگاشته است:

«... در خلیج فارس خطر از سایر خلیج‌ها بیشتر است، زیرا که در چندین نقطه عمق دریا خیلی کم است و کشتی‌هایی که داخل این خلیج می‌شوند، بایستی از هرموز یا بندر لنگه ملاحان بومی استخدام کنند تا بصره و همچنین از بصره تا هرموز...».

سفرنامهٔ فیگوئروا ، نجیب زاده اسپانیایی که در سال ۱۶۱۴ میلادی در سن ۵۷ سالگی در منصب سفیر فیلیپ سوم، پادشاه اسپانیا به دربار شاه عباس بزرگ اعزام و از طریق خلیج فارس وارد ایران گشت.

سفرنامهٔ ونیزیان ، نوشتهٔ شش سیاح ونیزی که ما در این نوشتار به قسمتهایی از سفرنامهٔ جوزافا باربارو که به موضوع مورد بحث مرتبط است پرداخته‌ایم.

۱۷. کنکاش درباره یکی از نام‌های آداک کشم

دکتر سیدابوالقاسم فروزانی

عضو هیأت علمی دانشگاه شیراز

جایگاه جغرافیایی کم نظیر آداک کشم (جزیره قشم) در دهانه آبراه هرمز (هرموز)، که به منزله گلوگاه خلیج پر اهمیّت فارس می‌باشد، ارزش و اعتبار دیرینه جزیره یاد شده را روزافزون نموده است. جزیرهٔ قشم در پرتو موقعیت ممتاز جغرافیایی‌اش در طول تاریخ، نه تنها در عرصه اقتصادی بلکه در زمینه‌های سیاسی، نظامی و اجتماعی ارزشی ویژه داشته است.

این بزرگترین و مهم‌ترین جزیرهٔ خلیج فارس که در عهد فرمانروایی هخامنشیان با نام کشم (کسم) معروف بوده، بعدها به مناسبت‌ها و دلایل گوناگون با نام‌های دیگری نیز خوانده شده است. شمار نام‌های جزیره قشم در منابع و مآخذ جغرافیایی، تاریخی و تحقیقات صاحب نظران، براستی شگفت‌آور می‌باشد. از آنجا که بررسی دقیق علل نام‌گذاری گوناگون جزیرهٔ قشم، از وقایع متنوعی که در برهه‌های مختلف تاریخی در این جزیره روی داده پرده بر می‌دارد. تحقیق در این زمینه بی‌گمان نتایجی ارزشمند به ارمغان می‌آورد.

با توجه به اهمیّت و ضرورت فراوان این موضوع، نگارندهٔ این مقاله درباره یکی از نام‌های جزیرهٔ قشم به کنکاش پرداخته است. نام مورد نظر عبارت است از کاوان یا ابرکاوان (که در منابع به صورت‌های گوناگون بنی کاوان، ابن کاوان، بنی کافان و... دیده می‌شود). این کندوکاو که در مقاله به استناد مدارک و شواهد معتبر مطرح گردیده به آشکار شدن واقعیتی انجامیده که جالب توجه است.

۱۸. لیان و اهمیّت آن در تمدن باستانی ایلام

سلمان قاسمیان

دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ، دانشگاه تهران

تاریخ ایلام در واقع دوره‌ای تاریک از گذشتهٔ پیش از هخامنشیان در ایران است که اقوام ساکن در ارتفاعات زاگرس مرکزی و جنوبی آن را پدید آورده‌اند، آنان توانستند سالیان متمادی سرنوشت اقتصادی خلیج فارس را در دست خود داشته باشند. و یا شاید بتوان گفت که تاریخ تجارت در این منطقه با تاریخ اسکان بشر غارنشین زاگرس در جلگه‌های ایلام و خوزستان آغاز می‌شود. ایلامی‌ها با نظارت مستقیم بر خلیج فارس شرق و غرب جهان آن روز را به هم مرتبط ساخته بودند و از نقطه نظر مطالعهٔ خواستگاهای تجاری و نظامی آنان در کرانه‌های ساحلی خلیج فارس از اهمیّت زیادی برخوردار است، در این مقاله سعی شده است گوشه‌هایی از اهمیت بندرگاه لیان که از مراکز مهم تجاری و بازرگانی ایلام به شمار می‌رفته است مورد بررسی قرار گیرد.

۱۹. اصطلاحات نظامی در جنگنامه کشم و جرون نامه

اکرم کاوسی

دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ، دانشگاه تهران

حماسه‌های منظوم از جمله آثاری هستند که به شرح وقایع جنگها پرداخته‌اند و از لابه‌لای آنان مطالب بسیاری در ارتباط با فرهنگ، زبان، آداب، وقایع و حوادث آن زمان می‌توان آموخت. دوحماسه منظوم جرون نامه و جنگنامه کشم که در آن برخی از وقایع بین سالهای ۱۰۳۲ تا ۱۰۴۲ هجری قمری به چشم می‌خورند از آن جمله‌اند.

کتاب جرون نامه توسط شاعر بلند پایه، قدری سروده شده است که قسمتهایی از آن دربرگیرندهٔ جنگ هرموز است، این شاعر به فنون شاعری آشنا و اصول ادبی را کاملاً رعایت نموده است. اشعار وی بیانگر این هستند که وی از مردم جنوب بوده است. اما جنگنامه کشم توسط شاعری ناشناس از اهالی جنوب سروده شده است که در آن بسیاری از کلمات با تلفظ بومی آن بیان شده است.

باید افزود که شاعر ناشناس جنگنامه کشم در اشعار خود تفاسیر نزدیکی از جنگ هرموز بیان کرده که نمایانگر این است که خود او در بطن جنگ حضور داشته است. به دلیل نزدیکی این دو کتاب با فرهنگ و زبان اهالی جنوب در این مقاله سعی شده است اصطلاحات

نظامـی و نام ابزار و آلات جنگـی را که در این منظومه ذکر شده است مشـخص نموده و برخی ویژگی‌های آن توصیف شود.

۲۰. اهمیت فتح هرمز در تاریخ ایران

کرم کرمی

پژوهشگر حوزهٔ تاریخ

فتح هرمز بـه جزیره‌ای کـه بعضـی آن را عـروس جزایـر خلیج فارس، و برخی نگیـن انگشـتری جهان و جمعـی کلیـد فتـح خلیـج فـارس و دـروازه ایرانـش نامیده‌اند ـ دـر تاریخ ایران واجد اهمیت بسـیار اسـت. زیـرا اسـتعمارگران پرتغالی با اسـتیلای بلامنازع خود بر این جزیـره و تنگهٔ همنام آن که دـر مدخل آبـراه مهم حیاتی خلیـج فارس قرار دـارد، انحصار تجارت و بازرگانی این منطقه را در حیطه اختیارات خویش دـرآورد، و نه تنها عامل حیات و روزنهٔ تنفس کشور ایران با دنیای خارج بلکه جهازتنفس شرق و غرب را نیز مسدود کرده بودند.

جهات اهمیت فتـح هرمز و پیامدهای آن را می‌توان فهرست‌وار چنین برشمرد:

۱ـ جهت سیاسـی ـ اعادهٔ سیادت و عظمت از دست رفته ایران در خلیج فارس که رکنی اساسـی از هسـتی سیاسی و استقلال ایران به شمار می‌رفت. این سیادت و سروری علی‌رغم اهتمامی که همیشه سلسله‌های ایرانی چه در عهد باسـتان و چه در دوره‌ی اسـلامی نسبت به حفظ و اسـتمرار آن بر این شاهراه مهم حیاتی داشته‌اند، در این زمان با اسـتیلای مهاجمان تاجر پیشه‌ی پرتغالی به شـدّت آسیب دیده و در معرض خطر جدی قرار گرفته بود.

۲ ـ جهت اقتصادی و بازرگانی ـ کوتاه شـدن دست پرتغالی‌ها از یکی از شاهراههای مهم بازرگانی و از منابع سـرزمینهایی که بخشـی از ایران به حسـاب می‌آمدند نظیر هرمز دیگر جزایر و سـواحل خلیـج فارس. از آنجا کـه انگیـزهٔ اصلی پرتغالیها از اسـتیلا بر هرمـز و خلیج فارس در دست گرفتن تجارت دریایی مشرزمین و منابع دریایی خلیج فارس بود، قطع دست آنها از نظر تجاری و تحصیل درآمد برای ایران اهمیت بسیار داشت. به همین دلیـل دولت ایران پس از اخراج پرتغالیها چندین هدف را همزمان دنبال می‌کرده است.

۳ ـ جهـت نظامی ـ تقویت و توسـعه قدرت و توافق نظامی ایـران در منطقه خلیج فارس و حفظ سـواحل و جزایـر و خاک اصلی ایران در مقابل ظهور قدرت ناوگان دریایی عثمانی در بصره و خلیج فارس و همینطور حضور روزافزون سـایر دـول اروپایی. زیرا جزایـر هرمز و تنگه معروف همنام آن علاوه بر موقعیت بازرگانی از نظر سوق الجیشـی و نظامی نیز اهمیت فوق العاده‌ای داشته و هر یک از دول جنگجو و تاجر پیشـهٔ جهان که خواسـته‌اند دسـت و بال خود را در خلیج فارس بگشایند، یا تکیه‌گاه طبیعـی نیرومندی بـرای دفاع از منطقه خلیـج، یا نقطه تهاجمی برای استیلا بر اقیانوس هند داشته باشند تسلط بر تنگه هرمز را در حیطهٔ اختیار خویش درآورند.

۲۱. ملوک هرمز در سـده‌های هفتم و هشـتم هجری

جمشید کیان‌فر

مصحح متون تاریخی و سردبیر فصلنامه *آینهٔ میراث*

جزایر خلیج فارس از قدیم‌ترین ایام تا روزگار حاضـر از مراکز مهم اقتصادـی جهان بوده به طوری که اکثر مورخان و جغرافی‌نویسان برآنند که راه ابریشم دریائی از خلیج فارس می‌گذشت.

با ضعف اتابک سلجوقشـاه سلغوری، اتابک فارس، محمود قلاتی یکی از امرای محلی هم چون اسلاف خود مطیع حکومت مرکزی ایران و یا تابع حکام محلی فارس و کرمـان بودند، از ضعف دولت اتابکان فارس اسـتفاده کرده با تسخیر عمان علم عصیان برافراشت و از ۶۶۰ ق تا ۶۷۶ق که سال وفات اوست به تدریج بر جزایر و بنادر خلیج فارس دسـت یافت و پایه‌گذار حکومتی شد که نه به نام خود او بل به نام خاستگاهش بندر هرموز به ملوک هرمز اشتهار یافتند.

در روزگار محمود قلاتی ـ پایه‌گذار ملوک هرموز در خلیـج فارس ـ هرموز بندری بـود نزدیک به بندر میناب

امروزی که بعدها جانشینان وی از این بندر به جزیره‌ای نقل و مکان کردند که به یاد وطن اصلی خود نام جزیره را هرموز گذاشتند که امروزه هم بدین نام شناخته آمده است.

با انتقال قدرت امرای محلی هرمز به جزیره جدید به منظور فرار از دست مغولان، به زودی قدرت و شوکت سابق را در این جزیره بدست آوردند. بر اکثر جزایر و بنادر خلیج فارس تسلط یافتند و جزیره هرموز معتبرترین مرکز تجارتی خلیج فارس شد. این جزیره از آغاز سدهٔ هشتم هجری مقام سیراف، کیش و هرموز قدیم را در تجارت خلیج فارس یافت و مرکز عمدهٔ داد و ستدهای دریائی و محل بارانداز و بارگیری کشتی‌های تجارتی کلیه جزایر و بنادر سواحل خلیج فارس بود و از عظمت و شهرتی برخوردار شد که تا دو سدهٔ بعد یعنی تا آمدن پرتغالیان به خلیج فارس دوام داشت و بعد از آن نیز تا تصرف جزیره هرموز به دست امامقلی خان در عهد شاه عباس همچنان آبادانی و رونق دیرین را حفظ کرده بود و امرای آن با حمایت پرتغالی‌ها و اسپانیائی‌ها، جزایر خلیج فارس به ویژه عمان و مسقط و بحرین را نیز اداره می‌کردند.

۲۲. نقد و بررسی ساقی‌نامه در جرون‌نامه قدری شیرازی

هیبت الله مالکی

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد - واحد فیروزآباد فارس

قبل از اینکه ساقی نامه‌های جرون‌نامه را مورد نقد و بررسی قرار دهیم اجازه می‌خواهم که نخست در مقدمه‌ای کوتاه تاریخ سرودن ساقی‌نامه و مغنی‌نامه را بیان نمایم.

ساقی‌نامه به گونه مضمونی مستقل و موضوعی خاص در تاریخ ادبیات فارسی از واپسین سالهای قرن ششم یعنی سال ۵۹۷ هجری قمری با سرودن اسکندرنامه حکیم نظامی آغاز شده است.

نظامی در هنگام پردازش یا گزارش این حماسه تاریخی که با افسانه‌های عجیب و غریبی آمیخته و گاهی با خرافات نیز توأم شده است و تنها امتیازی که باعث پایداری این اثر در قرون و اعصار گردیده بی‌شکّ طبع بلند و زیورهای ادبی، ارزش بلاغی، خلق مضامین بکر، داستان‌های آموزنده، انحنای دل‌انگیز و جذاب واژه‌های خوش تراش و ساقی‌نامه‌های زیبای ادیبی بی‌همال چون حکیم نظامی گنجوی است. این ساقی نامه‌ها گاهی براعت استهلالی است بر مضمون و محتوای داستان یا افسانه یا موضوعی تاریخی که بلافاصله پس از ساقی نامه آغاز می‌شود. البته در آغاز هر داستان شرف نامه دو بیت ررا به عنوان ساقی نامه سروده اما در اقبال نامه قبل از طرح هر داستان دو بیت به عنوان مغنّی نامه آورده است.

در آن برهه از تاریخ ایران که قدری شیرازی حماسه تاریخی جرون نامه را سروده است دوره‌ای است که حماسه سرایی تاریخی به سبب عدم حمایت شاه صفوی و بی مهری دربار اصفهان نسبت به شاعران صاحب سبک به طور کلی فراموش شده بود. جرون نامه باچنین کیفیت در موضوعی بسیار مهم با این ساقی‌نامه‌های حکیمانه در دوره‌ای که حماسه سرایی تاریخی با موضوع مقاومت ملی هیچ‌گونه پشتوانه‌ای ندارد در خور تحسین و هزار گونه آفرین است.

قدری شیرازی با سرودن جرون نامه یک گسل بسیار مهم و استراتژیک تاریخی در میان سلسله حماسه‌های تاریخی را جبران کرده است.

۲۳. نهضت‌های اسلامی در منطقه خلیج فارس

احمد ملک

پژوهشگر حوزهٔ متون

هیچ دریایی به اندازه خلیج فارس در طول تاریخ مورد توجه اقوام و ملل مختلف واقع نشده است. قدیمترین تمدنهای بشری در سواحل آن ایجاد شده‌اند، عظیم‌ترین راه‌های قرون وسطی، یعنی راه ادویه از ساحل آن عبور می‌کرده است. و نیز در طول تاریخ همواره نظر فاتحان و کشورگشایان جهان را به خود جلب کرده و نقشهٔ تسلط بر خلیج فارس را طرح کرده‌اند.

و شگفت‌تر از آن، اینکه هیچ یک توفیق تسلط دائمی بر آن پیدا نکرده‌اند. این رقابتها و کشمکشها از قرن شانزدهم میلادی / دهم هجری شدت و شتاب بیشتری به خود می‌گیرد. ابتدا پرتغالیها و پس از آن هلندیها و سپس انگلیسی‌ها و فرانسوی‌ها و حتی آلمانی‌ها، بر سر تسلط آن با یکدیگر به کشمکشها و رقابتهای سختی برخاسته‌اند. مدتی پطر تزار روسیه، آرزوی تسلط بر خلیج فارس را در سر می‌پروراند. ناپلئون سعی بسیار کرد که تسلط فرانسه بر خلیج فارس را بدست آورد. بالاخره جهانگیران و فاتحان دنیا هر یک به نحوی سعی کرده‌اند که سیادت و اقتدار خود را در خلیج فارس عملی سازند؛ اما چنانکه اشاره شد ناکام مانده‌اند. خلیج فارس، شاید بتوان گفت یکی از قدیمترین دریاهائی است که بشر بر روی آن کشتیرانی و تجارت کرده و نیز لشکرکشی نموده است. در قدیمترین کتیبه‌ها مانند، کلدانی، بابلی، آشوری و ایلامی، نام خلیج فارس ذکر شده است و نیز آثاری که از ازمنهٔ بسیار دور از سواحل و جزایر فارس باقی مانده،این ادعا را ثابت می‌کند.

در دورهٔ هخامنشی خلیج فارس بسیار مورد توجه پادشاهان این سلسله بوده است. البته در دورهٔ پیشدادی و کیانی ـ به روایت شاهنامه فردوسی ـ نیز از اهمیت فراوانی بر خوردار بوده است و در دورهٔ هخامنشی از دریا نوردان ایرانی و فنیقی و یونانی استفاده می‌کردند. و به روایت هرودوت، کار دریا نوردان ایرانی به جائی رسید که بر ناخدایان یونانی و فنیقی هم برتری پیدا کردند.

ناخدایان ایرانی در دورهٔ باستان یعنی تا اواخر ساسانی و قرون اولیه هجری، برای ناخدایان (رهنامه) می‌نوشتند و اکنون چند جلد از این رهنامه‌ها باقی مانده‌اند.

اما در زمان صفویه به علت تحولاتی که در این روزگار در خلیج فارس روی داد، لازم درنگ بیشتری است.

برآمدن پرتغالیها و سقوط این دولت استعمارگر در خلیج فارس و نیز رابطه دولت صفوی با سایر کشورهای اروپایی در این رابطه، تفصیلی بیشتر لازم است.

۲۴. نام خلیج فارس و تاریخ

علی‌اکبر محمودیان

پژوهشگر علم جغرافیا

چگونه و کی نام خلیج فارس ثبت تاریخ شد:

داریوش در سال ۵۱۷ پ م / ۱۱۳۸ پ هـ به «مودرایه» (مصر) رفت و به دستور او کانالی از دریای عرب (سرخ) به شاخه‌ای از رود پی‌رَوَه Pyrava (نیل) متصل شد و راه آبی اقیانوس اریتره (هند) به دریای مغرب (مدیترانه) گشوده گردید و اسکیلا Scylax دریا سالار داریوش نخستین کسی بود که از دریای عمان عربستان را دور زد و از دریای سرخ وارد مدیترانه شد، از وقتی این آبراهه ایجاد شد و به دستور داریوش و فرعون سنگ نبشته‌هایی نگاشته شد، نام «دریای پارس» ضبط تاریخ گشت. از آن هنگام نام خلیج فارس پیوسته خلیج فارس بود، در هر شرایطی و هر زبانی حتی در دورهٔ دویست سالهٔ حکومت مستقیم اعراب بر ایران، تا سال ۱۳۳۹ خ / ۱۹۶۰ م که به دستور جمال عبدالناصر رئیس جمهور مصر اتحادیهٔ عرب اعلام کرد: «از این پس خلیج عربی بجای خلیج فارس بکار برده خواهد شد و خوزستان که سابقاً عربستان نامیده می‌شد جزء لاینفک سرزمین اعراب است.»

چرا بقیهٔ رهبران کشورهای عربی بدون هیچ مجوزی و بی‌همه پرسی از مردم خویش از او پیروی کردند. چرا مردم ایران عکس‌العملی شایسته نشان ندادند؟

چرا در طول نزدیک به ۲۵۰۰ سال هیچ یک از فاتحان عرب یا زمامداران و رهبران مذهبی عرب دست به چنین تغییر نزدند...

۲۵. تصرف منابع آب شیرین قشم به عنوان بخشی از استراتژی تصرف هرمز

دکتر مصطفی ندیم

عضو هیأت علمی دانشگاه شیراز

پس از فتح قسطنطنیه در سال ۸۵۷ ق/۳۵۴۱ م و مسدود شدن راههای تجاری اروپا با ایران

و هند از طریق شـرق، اروپاییان درصدد دسـت‌یابی به راههای جدید برآمدند، در این زمان دولت‌های اسـپانیا و پرتغال از پیشگامان اکتشافات دریایی بودند.

تصمیم‌گیری پرتغالی‌ها بـرای تصرف جزایر و بنادر مهم خلیج‌فارس با اوائل حکومت صفویان مصادف شد و در این موقعیت شاهان صفوی به شدت درگیر مشکلات داخلی و حملات ازبکان از سـوی شـرِ بودند، در نتیجه بـا ورود آلفونسـو دالیوکرک دریا نورد معـروف پرتغالی بـه منطقه خلیج فارس و برتری نظامی وی در داشـتن توپ‌های سـنگین، سـواحل و جزایر ایرانی خلیج فارس و از جمله جزیره بسـیار مهم هرمز بدسـت نیروهای وی تصرف شد.

با شروع سـلطنت شاه عباس، حاکمیت صفویه وارد دوره جدیدی از شـکوفایی سیاسی و اقتصادی شد. شاه عباس بر آن شـد تا پرتغالی‌هـا را از منطقه اخراج کند. دـر این میان وجود سـردار شـجاع و بـا تدبیری چون امامقلـی خان، نقـش زیادی دـر اخـراج پرتغالی‌ها از منطقه‌داشـت.

به دلیل موقعیـت جغرافیایی هرمـز، پرتغالی‌ها این جزیره را به عنوان مرکز سیاسی و اقتصادی خود انتخاب کرده بودند. قلعه‌ها و استحکامات متعدد نظامی در هرمز نیز موجب قدرت و برتری نظامی پرتغالی‌ها در این جزیره شده بود، اما هرمز از لحاظ جغرافیایی طبیعی دارای آب و هوای مساعدی نبود و از جمله مشکلات عمده آن کمبود آب شیرین بود.

با شـروع نبرد نیروهای ایرانی با پرتغالی‌ها در خلیج فارس، امامقلی خان از تاکتیک بسـیار جالبی اسـتفاده کرد. وی می‌دانسـت که پرتغالی‌ها به آب شـیرین نیاز دارند و جزیره قشم با داشـتن منابع متعدد آب شیرین، تأمین کننده آب شـرب پرتغالی‌ها می‌باشـد، در نتیجه امامقلـی خان در ابتدا به قشـم حمله کـرد و با تصرف قشم و دسـتیابی به منابع آب شـیرین، پرتغالی‌ها را از داشـتن این نیاز حیاتی به شدت به دردسر انداخت. در واقـع با فتح قشـم راه پیروزی بـر پرتغالی‌ها و تصرف هرمزبسـیارهموارشـد.

۲۶. وجه تسمیه هُرمز

حسین نوربخش

محقق در زمینه خلیج فارس

در استان هرمزگان چهار نـام هرمز وجود دـارد، هرمـز کهنـه (مینـاب)، تنگه هرمز، جزیره هرمز و بالاخره اسـتان هرمزگان، در کتاب‌ها و نوشـته‌های موجـود بـه درسـتی نیامده است که جزیره هرمز نامش را از تنگه هرمز گرفته است یا تنگه هرمز از جزیره هرمز. عده‌ای از محققین بر این اعتقاد می‌باشـند که هم تنگه هرمز و هم جزیره هرمز نام خود را از هورموز یا حورمغ و مغستان یعنی شهر قدیم معرفی و هرمز کهنه گرفته باشند ولی اگر قبول داشته باشیم که هرمز یک نام باستانی است و حتی در زمان ورود نئارک سردار اسکندر بـه آبهای خلیج فارس (۳۲۶ ق. م) این نام و این منطقه وجود داشـته اسـت باید قبول کنیم که جزیره هرمز نام خود را از شـهر هرمز کهنه و شهر هرمز از تنگه هرمز و استان هرمزگان از هر سه گرفته است.

جزیـره هرمز در گذشـته در منابـع و مأخذ مختلف به صورت‌های اگرا مـوزد، اوگیریس قدیم، اوگریپس، تیروس، زرون، جرون، پرکنه، ارموز، ارموس، هورموز، هرموز، هارموزیا، هرمزیا، هرمس، هرمز درون نوشته و خوانده می‌شد.

نام اوگیریـس قدیم، احتمالاً مأخـوذ از نام پرتغالی، «اِگرا موزد» باشـند و «اگراموزد» نام پرتغالی و یا شکل پرتغالی نام جزیره هرمز در سـلطنت امانوئل اول پادشاه پرتغال هم زمان با پادشـاهی توران شـاه سوم در جزیره هرمز و هم عصر شاه اسماعیل اول پادشاه ایران است.

تیر رس: بعقیده اعتماد السـلطنه اسـم قدیم جزیره هرموز بوده است.

جرون: به عقیده ابوالحسـن دهقـان نام اولیه جزیره هرمز، جرون بوده اسـت. بعدها جزیـره هرمز و میناب و مضافات اطراف بندرعبـاس کنونی را بلوکات جرونات و شـمیلات می‌خواندند. کلمه جرون تعریب گرون اسـت. درگذشته جرون را زرون و گرون می‌شناختند.

در سواحل و بنادر و جزایر تنگه هرمز حتی پیش از ورود پرتغالی‌ها، دو محل را به نام جرون می‌نامیدند. جرون اول در سواحل شمالی خلیج فارس و احتمالاً در جایِ و یا نزدیک بندرعباس فعلی جرون دوم، جزیره فعلی هرمز است.

هرمز در لغت‌نامه‌ها، فرهنگ‌ها، دارای شکل و معانی زیر می‌باشد:

اُرمز، اُرمزد، هُرمزد، هُورمزد، اهورمزدا، اهورا مزدا(نام خداوند)، نام روز اوّل از هر ماه شمسی نام فرشته‌ای که امور مصالح روز هرمز یعنی روز اوّل هر ماه به او تعلق دارد. نام ستاره مشتری، نام تنگه میان خلیج فارس و دریای عمان و بالاخره نام جزیره هرمز و به معنی رَبُ الارباب هم هست.

۲۷. وجه تسمیه جِرون

حسین نوربخش

محقق در زمینه خلیج فارس

همزمان با استیلای پرتغالی‌ها بر جزیره هرمز بر جای بندرعباس فعلی دهکده کوچکی به نام گرون که بعدها ایرانیان محل و اعراب آن را زِرون و جرون نامیدند، وجود داشته است. پیرمردی از اهل این ده به جزیره هرمز رفته و در آنجا اقامت می‌گزیند و جزیره به نام او معروف می‌شود. لِسترنج می‌نویسد: بندری که پرتغالی‌ها به آن وارد شدند به گَمبرون موسوم گردید و یک قرن بعد شاه عباس آن را بندرعباس نام گذارد، موقعی که پرتغالی‌ها به جزیره هرمز آمدند در محل فعلی بندرعباس دهکده کوچکی را مشاهده کردند که نام آن در همان موقع‌ها بندر جرون بود. پرتغالی‌ها این دهکده را بواسطه فرهنگ زیادی که در ساحل دیده می‌شد به نام «بَندَل کاماراو» یا «کامبارائو» یعنی بندر خرچنگ تبدیل کردند. نام متداول بعدی یعنی گمرون یا گامبرون به احتمال قوی از لغت پرتغالی «گامارائو» آمده است نه از گمرک.

بعد از ورود پرتغالی‌ها در اوایل قرن ۱۰ هـ . ق، جرون به نام گمرو نامیده شد و این اولین نام اصلی بندرعباس بود که به سر زبان‌ها افتاد، در دایرهٔ المعارف الاسلامیه نوشته شده «گمبرم یا گامبرون از جرون، جارون، اسم سابق جزیره هرمز مشتق است و این کلمه در نگارش‌های مختلف فارسی به صورت‌های گمبرون، گمیرون و گمبرو نیز نوشته شده است.

به عقیده جمعی از نویسندگان در جای بندرعباس فعلی و گامبرون قبلی، روستایی به نام جرون و در داخل دریا نزدیک جزیره قشم، جزیره‌ای به همین نام وجود داشته است که شاید مردم عادی برای جلوگیری از هر گونه اشتباه، جرون ساحلی (بندرعباس) را به جرون برون و جرون داخل آب را «جرون درون» می‌نامیده‌اند و احتمال دارد که جرون برون در طول زمان تبدیل به جمبرون و گامبرون شده باشد. نام شاه جرون و اسم برون در مثنوی مولوی هم راه یافته است و مسلماً مولوی از موضوع جرون برون و جرون درون مطلع بوده است، مولانا می‌فرماید:

گفت بهر سخرهٔ شاه جرون

خر همی گیرند مردم از برون

استاد باستانی پاریزی ضمن ذکر شعر مذکور می‌نویسد: این کلمه جرون که باید معرب گرون باشد، صورت نخست گمبرون است.

در پایان این همایش سه تن از شاعران بومی به سرایش اشعار خود دربارهٔ خلیج فارس پرداختند و چند تن از اهالی نکات تازه و بدیعی درباره آگاهیهای خود از تاریخ شفاهی جزایر و آثار تاریخی خلیج‌فارس بیان کردند. در اینجا شعری از آقای بهمنی شاعر معاصر نقل می‌شود:

محمدعلی بهمنی
شاعر محلی

دریا شدست خواهر و من هم برادرش
شاعرتر از همیشه نشسته‌ام برابرش
خواهر سلام با غزالی نیمه آمدم
تا با شما قشنگ شود نیم دیگرش
می‌خواهم اعتراف کنم هر غزل که ما
با هم سروده‌ایم. جهان کرده از برش
خواهر زمان زمان برادر کشی است باز
شاید به گوشهاش نرسد بیت آخرش
با خود مرا ببر که نپرسد در این سکون
شعری که دوست داشتی از خود رهاترش
دریا سکوت کرده و من حرف می‌زنم
حس می‌کنم که راه نبردم به باورش
دریا منم هم که به تعداد موجهات
با هر غروب خورده بر این صخره‌ها سرش
همو که دل زده است به اعماق و کوسه‌ها
خون می‌خورند از رگ درخون شناورش
خواهر برتن تو کم از ماهیان که نیست
خرچنگ‌ها مخواه بر سینه و پیکرش
دریا سکوت کرده و من بغض کرده‌ام
بغض برادرانه از قهر خواهرش

جایزهٔ کتاب سال جمهوری اسلامی ایران

بیست و سومین دورهٔ مراسم جایزه کتاب سال و سیزدهمین دورهٔ جهانی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، دوشنبه ۱۷ بهمن ۸۴ با حضور رئیس جمهور، رئیس مجلس شورای اسلامی و وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزار شد، جمعی از سفرا و نمایندگان سیاسی و فرهنگی کشورهای مختلف و گروهی از مسئولان کشور و اهالی فرهنگ و هنر نیز حضور داشتند.

این مراسم که همه ساله از سوی دبیرخانهٔ کتاب سال در دهه فجر برگزار می‌گردد، جهت بررسی و ارزیابی دقیق و علمی آثار منتشر شده از سوی اساتید و بزرگان هر فن برای یافتن آثار برجسته و شایسته تقدیر صورت می‌گیرد.

امسال نیز این مراسم با شکوه خاص خود انجام یافت. در این مراسم مراکز پژوهشی داخل و خارج همکاری داشتند. مرکز پژوهشی میراث مکتوب یکی از مراکز همکاری بود که در این راستا قدم برداشت.

در بیست و سومین دورهٔ این مراسم، پس از سخنرانی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و رئیس مجلس شورای اسلامی، بیانیه هیأت داوران توسط مجید حمیدزاده، مدیر ادارهٔ کتاب و کتابخوانی قرائت شد. پس از آن، برگزیدگان داخلی و خارجی جوایز خود را از دست رئیس جمهوری دریافت نمودند. در پایان مراسم نیز جناب آقای دکتر احمدی‌نژاد رئیس جمهور کشورمان، به سخنرانی پرداخت.

جناب آقای حداد عادل، در بخشی از سخنان خود به اهمیت احیاء میراث اسلامی و ایرانی اشاره نمودند. وی فرمود: وجود این همه نسخه‌های خطی به زبان فارسی در ایران و همچنین نسخه‌های خطی فارسی در خارج از ایران از عظمت فرهنگ ملّت ما حکایت می‌کند که نیازمند عرضه صحیح می‌باشد.

بانک جهانی نسخ خطی در میراث مکتوب

ایشان با اشاره به اینکه مرکز پژوهشی میراث مکتوب به تازگی تصمیم گرفته است فهرست نسخه‌های خطی فارسی موجود در داخل و خارج ایران را یکجا عرضه کند، ابراز خوشبختی نمود و گفت که با احیاء این میراث بهتر می‌توان دریافت که ما صاحب چه میراث ارزشمندی هستیم. و این وظیفه ماست که چنین خدمتی را در عرضه شکوفایی علم ایران و اسلام انجام دهیم بکوشیم تا به جامعه فرهنگی و فرهیخته ایران جهت استفاده عرضه بداریم.

امروزی که بعدها جانشینان وی از این بندر به جزیره‌ای نقل و مکان کردند که به یاد وطن اصلی خود نام جزیره را هرموز گذاشتند که امروزه هم بدین نام شناخته آمده است.

با انتقال قدرت امرای محلی هرمز به جزیره جدید به منظور فرار از دست مغولان، به زودی قدرت و شوکت سابق را در این جزیره بدست آوردند. بر اکثر جزایر و بنادر خلیج فارس تسلط یافتند و جزیره هرموز معتبرترین مرکز تجارتی خلیج فارس شد. این جزیره از آغاز سدهٔ هشتم هجری مقام سیراف، کیش و هرموز قدیم را در تجارت خلیج فارس یافت و مرکز عمدهٔ داد و ستدهای دریائی و محل بارانداز و بارگیری کشتی‌های تجارتی کلیه جزایر و بنادر سواحل خلیج فارس بود و از عظمت و شهرتی برخوردار شد که تا دو سدهٔ بعد یعنی تا آمدن پرتغالیان به خلیج فارس دوام داشت و بعد از آن نیز تا تصرف جزیره هرموز به دست امامقلی خان در عهد شاه عباس همچنان آبادانی و رونق دیرین را حفظ کرده بود و امرای آن با حمایت پرتغالی‌ها و اسپانیائی‌ها، جزایر خلیج فارس به ویژه عمان و مسقط و بحرین را نیز اداره می‌کردند.

۲۲. نقد و بررسی ساقی‌نامه در جرون‌نامه قدری شیرازی

هیبت الله مالکی

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد - واحد فیروزآباد فارس

قبل از اینکه ساقی نامه‌های جرون‌نامه را مورد نقد و بررسی قرار دهیم اجازه می‌خواهم که نخست در مقدمه‌ای کوتاه تاریخ سرودن ساقی‌نامه و مغنی‌نامه را بیان نمایم.

ساقی‌نامه به گونه مضمونی مستقل و موضوعی خاص در تاریخ ادبیات فارسی از واپسین سالهای قرن ششم یعنی سال ۵۹۷ هجری قمری با سرودن اسکندرنامه حکیم نظامی آغاز شده است.

نظامی در هنگام پردازش یا گزارش این حماسه تاریخی که با افسانه‌های عجیب و غریبی آمیخته و گاهی با خرافات نیز توأم شده است و تنها امتیازی که باعث پایداری این اثر در قرون و اعصار گردیده بی‌شکّ طبع بلند و زیورهای ادبی، ارزش بلاغی، خلق مضامین بکر، داستان‌های آموزنده، انحنای دل‌انگیز و جذاب واژه‌های خوش تراش و ساقی‌نامه‌های زیبای ادیبی بی‌همال چون حکیم نظامی گنجوی است. این ساقی نامه‌ها گاهی براعت استهلالی است بر مضمون و محتوای داستان یا افسانه یا موضوعی تاریخی که بلافاصله پس از ساقی نامه آغاز می‌شود. البته در آغاز هر داستان شرف نامه دو بیت ررا به عنوان ساقی نامه سروده اما در اقبال نامه قبل از طرح هر داستان دو بیت به عنوان مغنّی نامه آورده است.

در آن برهه از تاریخ ایران که قدری شیرازی حماسه تاریخی جرون نامه را سروده است دوره‌ای است که حماسه سرایی تاریخی به سبب عدم حمایت شاه صفوی و بی مهری دربار اصفهان نسبت به شاعران صاحب سبک به طور کلی فراموش شده بود. جرون نامه باچنین کیفیت در موضوعی بسیار مهم با این ساقی‌نامه‌های حکیمانه در دوره‌ای که حماسه سرایی تاریخی با موضوع مقاومت ملی هیچ‌گونه پشتوانه‌ای ندارد در خور تحسین و هزار گونه آفرین است.

قدری شیرازی با سرودن جرون نامه یک گسل بسیار مهم و استراتژیک تاریخی در میان سلسله حماسه‌های تاریخی را جبران کرده است.

۲۳. نهضت‌های اسلامی در منطقه خلیج فارس

احمد ملک

پژوهشگر حوزهٔ متون

هیچ دریایی به اندازه خلیج فارس در طول تاریخ مورد توجه اقوام و ملل مختلف واقع نشده است. قدیمترین تمدنهای بشری در سواحل آن ایجاد شده‌اند، عظیم‌ترین راه‌های قرون وسطی، یعنی راه ادویه از ساحل آن عبور می‌کرده است. و نیز در طول تاریخ همواره نظر فاتحان و کشورگشایان جهان را به خود جلب کرده و نقشهٔ تسلط بر خلیج فارس را طرح کرده‌اند.

و شگفت‌تر از آن، اینکه هیچ یک توفیق تسلط دائمی بر آن پیدا نکرده‌اند. این رقابتها و کشمکشها از قرن شانزدهم میلادی / دهم هجری شدت و شتاب بیشتری به خود می‌گیرد. ابتدا پرتغالیها و پس از آن هلندیها و سپس انگلیسی‌ها و فرانسوی‌ها و حتی آلمانی‌ها، بر سر تسلط آن با یکدیگر به کشمکشها و رقابتهای سختی برخاسته‌اند. مدتی پطر تزار روسیه، آرزوی تسلط بر خلیج فارس را در سر می‌پروراند. ناپلئون سعی بسیار کرد که تسلط فرانسه بر خلیج فارس را بدست آورد. بالاخره جهانگیران و فاتحان دنیا هر یک به نحوی سعی کرده‌اند که سیادت و اقتدار خود را در خلیج فارس عملی سازند؛ اما چنانکه اشاره شد ناکام مانده‌اند. خلیج فارس، شاید بتوان گفت یکی از قدیمترین دریاهائی است که بشر بر روی آن کشتیرانی و تجارت کرده و نیز لشکرکشی نموده است. در قدیمترین کتیبه‌ها مانند، کلدانی، بابلی، آشوری و ایلامی، نام خلیج فارس ذکر شده است و نیز آثاری که از ازمنهٔ بسیار دور از سواحل و جزایر فارس باقی مانده،این ادعا را ثابت می‌کند.

در دورهٔ هخامنشی خلیج فارس بسیار مورد توجه پادشاهان این سلسله بوده است. البته در دورهٔ پیشدادی و کیانی ـ به روایت شاهنامه فردوسی ـ نیز از اهمیت فراوانی بر خوردار بوده است و در دورهٔ هخامنشی از دریا نوردان ایرانی و فنیقی و یونانی استفاده می‌کردند. و به روایت هرودوت، کار دریا نوردان ایرانی به جائی رسید که بر ناخدایان یونانی و فنیقی هم برتری پیدا کردند.

ناخدایان ایرانی در دورهٔ باستان یعنی تا اواخر ساسانی و قرون اولیه هجری، برای ناخدایان (رهنامه) می‌نوشتند و اکنون چند جلد از این رهنامه‌ها باقی مانده‌اند.

اما در زمان صفویه به علت تحولاتی که در این روزگار در خلیج فارس روی داد، لازم درنگ بیشتری است.

برآمدن پرتغالیها و سقوط این دولت استعمارگر در خلیج فارس و نیز رابطه دولت صفوی با سایر کشورهای اروپایی در این رابطه، تفصیلی بیشتر لازم است.

۲۴. نام خلیج فارس و تاریخ

علی‌اکبر محمودیان

پژوهشگر علم جغرافیا

چگونه و کی نام خلیج فارس ثبت تاریخ شد:

داریوش در سال ۵۱۷ پ م / ۱۱۳۸ پ هـ به «مودرایه» (مصر) رفت و به دستور او کانالی از دریای عرب (سرخ) به شاخه‌ای از رود پی‌رَوَه Pyrava (نیل) متصل شد و راه آبی اقیانوس اریتره (هند) به دریای مغرب (مدیترانه) گشوده گردید و اسکیلا Scylax دریا سالار داریوش نخستین کسی بود که از دریای عمان عربستان را دور زد و از دریای سرخ وارد مدیترانه شد، از وقتی این آبراهه ایجاد شد و به دستور داریوش و فرعون سنگ نبشته‌هایی نگاشته شد، نام «دریای پارس» ضبط تاریخ گشت. از آن هنگام نام خلیج فارس پیوسته خلیج فارس بود، در هر شرایطی و هر زبانی حتی در دورهٔ دویست سالهٔ حکومت مستقیم اعراب بر ایران، تا سال ۱۳۳۹ خ / ۱۹۶۰ م که به دستور جمال عبدالناصر رئیس جمهور مصر اتحادیهٔ عرب اعلام کرد: «از این پس خلیج عربی بجای خلیج فارس بکار برده خواهد شد و خوزستان که سابقاً عربستان نامیده می‌شد جزء لاینفک سرزمین اعراب است.»

چرا بقیهٔ رهبران کشورهای عربی بدون هیچ مجوزی و بی‌همه پرسی از مردم خویش از او پیروی کردند. چرا مردم ایران عکس‌العملی شایسته نشان ندادند؟

چرا در طول نزدیک به ۲۵۰۰ سال هیچ یک از فاتحان عرب یا زمامداران و رهبران مذهبی عرب دست به چنین تغییر نزدند...

۲۵. تصرف منابع آب شیرین قشم به عنوان بخشی از استراتژی تصرف هرمز

دکتر مصطفی ندیم

عضو هیأت علمی دانشگاه شیراز

پس از فتح قسطنطنیه در سال ۸۵۷ ق/۳۵۴۱ م و مسدود شدن راههای تجاری اروپا با ایران

و هند از طریق شـرق، اروپاییان درصدد دسـت‌یابی به راههای جدید برآمدند، در این زمان دولت‌های اسـپانیا و پرتغال از پیشگامان اکتشافات دریایی بودند.

تصمیم‌گیری پرتغالی‌ها بـرای تصرف جزایر و بنادر مهم خلیج‌فارس با اوائل حکومت صفویان مصادف شد و در این موقعیت شاهان صفوی به شدت درگیر مشکلات داخلی و حملات ازبکان از سـوی شـرِ بودند، در نتیجه بـا ورود آلفونسـو دالیوکرک دریا نورد معـروف پرتغالی بـه منطقه خلیج فارس و برتری نظامی وی در داشـتن توپ‌های سـنگین، سـواحل و جزایر ایرانی خلیج فارس و از جمله جزیره بسـیار مهم هرمز بدسـت نیروهای وی تصرف شد.

با شروع سـلطنت شاه عباس، حاکمیت صفویه وارد دوره جدیدی از شـکوفایی سیاسی و اقتصادی شد. شاه عباس بر آن شـد تا پرتغالی‌هـا را از منطقه اخراج کند. دـر این میان وجود سـردار شـجاع و بـا تدبیری چون امامقلـی خان، نقـش زیادی دـر اخـراج پرتغالی‌ها از منطقه‌داشـت.

به دلیل موقعیـت جغرافیایی هرمـز، پرتغالی‌ها این جزیره را به عنوان مرکز سیاسی و اقتصادی خود انتخاب کرده بودند. قلعه‌ها و استحکامات متعدد نظامی در هرمز نیز موجب قدرت و برتری نظامی پرتغالی‌ها در این جزیره شده بود، اما هرمز از لحاظ جغرافیایی طبیعی دارای آب و هوای مساعدی نبود و از جمله مشکلات عمده آن کمبود آب شیرین بود.

با شـروع نبرد نیروهای ایرانی با پرتغالی‌ها در خلیج فارس، امامقلی خان از تاکتیک بسـیار جالبی اسـتفاده کرد. وی می‌دانسـت که پرتغالی‌ها به آب شـیرین نیاز دارند و جزیره قشم با داشـتن منابع متعدد آب شیرین، تأمین کننده آب شـرب پرتغالی‌ها می‌باشـد، در نتیجه امامقلـی خان در ابتدا به قشـم حمله کـرد و با تصرف قشم و دسـتیابی به منابع آب شـیرین، پرتغالی‌ها را از داشـتن این نیاز حیاتی به شدت به دردسر انداخت. در واقـع با فتح قشـم راه پیروزی بـر پرتغالی‌ها و تصرف هرمزبسـیارهموارشـد.

۲۶. وجه تسمیه هُرمز

حسین نوربخش

محقق در زمینه خلیج فارس

در استان هرمزگان چهار نـام هرمز وجود دـارد، هرمـز کهنـه (مینـاب)، تنگه هرمز، جزیره هرمز و بالاخره اسـتان هرمزگان، در کتاب‌ها و نوشـته‌های موجـود بـه درسـتی نیامده است که جزیره هرمز نامش را از تنگه هرمز گرفته است یا تنگه هرمز از جزیره هرمز. عده‌ای از محققین بر این اعتقاد می‌باشـند که هم تنگه هرمز و هم جزیره هرمز نام خود را از هورموز یا حورمغ و مغستان یعنی شهر قدیم معرفی و هرمز کهنه گرفته باشند ولی اگر قبول داشته باشیم که هرمز یک نام باستانی است و حتی در زمان ورود نئارک سردار اسکندر بـه آبهای خلیج فارس (۳۲۶ ق. م) این نام و این منطقه وجود داشـته اسـت باید قبول کنیم که جزیره هرمز نام خود را از شـهر هرمز کهنه و شهر هرمز از تنگه هرمز و استان هرمزگان از هر سه گرفته است.

جزیـره هرمز در گذشـته در منابـع و مأخذ مختلف به صورت‌های اگرا مـوزد، اوگیریس قدیم، اوگریپس، تیروس، زرون، جرون، پرکنه، ارموز، ارموس، هورموز، هرموز، هارموزیا، هرمزیا، هرمس، هرمز درون نوشته و خوانده می‌شد.

نام اوگیریـس قدیم، احتمالاً مأخـوذ از نام پرتغالی، «اِگرا موزد» باشـند و «اگراموزد» نام پرتغالی و یا شکل پرتغالی نام جزیره هرمز در سـلطنت امانوئل اول پادشاه پرتغال هم زمان با پادشـاهی توران شـاه سوم در جزیره هرمز و هم عصر شاه اسماعیل اول پادشاه ایران است.

تیر رس: بعقیده اعتماد السـلطنه اسـم قدیم جزیره هرموز بوده است.

جرون: به عقیده ابوالحسـن دهقـان نام اولیه جزیره هرمز، جرون بوده اسـت. بعدها جزیـره هرمز و میناب و مضافات اطراف بندرعبـاس کنونی را بلوکات جرونات و شـمیلات می‌خواندند. کلمه جرون تعریب گرون اسـت. درگذشته جرون را زرون و گرون می‌شناختند.

در سواحل و بنادر و جزایر تنگه هرمز حتی پیش از ورود پرتغالی‌ها، دو محل را به نام جرون می‌نامیدند. جرون اول در سواحل شمالی خلیج فارس و احتمالاً در جایِ و یا نزدیک بندرعباس فعلی جرون دوم، جزیره فعلی هرمز است.

هرمز در لغت‌نامه‌ها، فرهنگ‌ها، دارای شکل و معانی زیر می‌باشد:

اُرمز، اُرمزد، هُرمزد، هُورمزد، اهورمزدا، اهورا مزدا(نام خداوند)، نام روز اوّل از هر ماه شمسی نام فرشته‌ای که امور مصالح روز هرمز یعنی روز اوّل هر ماه به او تعلق دارد. نام ستاره مشتری، نام تنگه میان خلیج فارس و دریای عمان و بالاخره نام جزیره هرمز و به معنی رَبُ الارباب هم هست.

۲۷. وجه تسمیه جِرون

حسین نوربخش

محقق در زمینه خلیج فارس

همزمان با استیلای پرتغالی‌ها بر جزیره هرمز بر جای بندرعباس فعلی دهکده کوچکی به نام گرون که بعدها ایرانیان محل و اعراب آن را زِرون و جرون نامیدند، وجود داشته است. پیرمردی از اهل این ده به جزیره هرمز رفته و در آنجا اقامت می‌گزیند و جزیره به نام او معروف می‌شود. لِسترنج می‌نویسد: بندری که پرتغالی‌ها به آن وارد شدند به گَمبرون موسوم گردید و یک قرن بعد شاه عباس آن را بندرعباس نام گذارد، موقعی که پرتغالی‌ها به جزیره هرمز آمدند در محل فعلی بندرعباس دهکده کوچکی را مشاهده کردند که نام آن در همان موقع‌ها بندر جرون بود. پرتغالی‌ها این دهکده را بواسطه فرهنگ زیادی که در ساحل دیده می‌شد به نام «بَندَل کاماراو» یا «کامبارائو» یعنی بندر خرچنگ تبدیل کردند. نام متداول بعدی یعنی گمرون یا گامبرون به احتمال قوی از لغت پرتغالی «گامارائو» آمده است نه از گمرک.

بعد از ورود پرتغالی‌ها در اوایل قرن ۱۰ هـ . ق، جرون به نام گمرو نامیده شد و این اولین نام اصلی بندرعباس بود که به سر زبان‌ها افتاد، در دایرهٔ المعارف الاسلامیه نوشته شده «گمبرم یا گامبرون از جرون، جارون، اسم سابق جزیره هرمز مشتق است و این کلمه در نگارش‌های مختلف فارسی به صورت‌های گمبرون، گمیرون و گمبرو نیز نوشته شده است.

به عقیده جمعی از نویسندگان در جای بندرعباس فعلی و گامبرون قبلی، روستایی به نام جرون و در داخل دریا نزدیک جزیره قشم، جزیره‌ای به همین نام وجود داشته است که شاید مردم عادی برای جلوگیری از هر گونه اشتباه، جرون ساحلی (بندرعباس) را به جرون برون و جرون داخل آب را «جرون درون» می‌نامیده‌اند و احتمال دارد که جرون برون در طول زمان تبدیل به جمبرون و گامبرون شده باشد. نام شاه جرون و اسم برون در مثنوی مولوی هم راه یافته است و مسلماً مولوی از موضوع جرون برون و جرون درون مطلع بوده است، مولانا می‌فرماید:

گفت بهر سخرهٔ شاه جرون

خر همی گیرند مردم از برون

استاد باستانی پاریزی ضمن ذکر شعر مذکور می‌نویسد: این کلمه جرون که باید معرب گرون باشد، صورت نخست گمبرون است.